

شخصیت و رفتار دینی

شخصیت و رفتارها و گفتارها

دکتر علی اصغر احمدی

یکی از زمینه‌هایی که می‌باید با توجه به ساختار شخصیتی انسان‌ها، در مورد آن به بحث پرداخت، چگونگی دین‌داری افراد و نحوه بروز رفتار دینی در آنان است. امروزه بسیاری از انسان‌ها خود را منتسب به دین می‌دانند و در نتیجه خود را متدین می‌شناسند. به تبع چنین قضاوتی، دیگران نیز آنان را متدین شناخته، بسیاری از رفتارهای ایشان را به دین نسبت می‌دهند. ما در این نوشتار درصدد آنیم که ببینیم آیا دین‌داری الگویی واحد و مشخص است که هر کسی به صرف نسبت دادن خود به آن، یا قرار گرفتن در درون آن الگو، نام دین‌دار به خود می‌گیرد، یا نه دین واقعی است که هر کسی آن را دریافت می‌کند و بر اساس

تیپ بدنی و رفتار دینی: تیپ بدنی، شخصیتی است که نیازهای بدنی در او غلبه دارند. این تیپ بیشتر در صدد رفع نیازهای بدنی و در پی لذت جویی است و از پرخاشگری و هیجان طلبی نیز در جای خود لذت می برد. پس از رفع نیازهایی چون خور و خواب و نیاز جنسی، در جست و جوی موقعیت هایی است که دارای هیجان است. در جای خود از پرخاشگری نسبت به دیگران استفاده کرده، از همانندسازی با پرخاشگر، از طریق تماشای فیلم ها و صحنه های پرخاشگرانه، شنیدن وقایع همراه با پرخاشگری و درگیری ذهنی با آنها، لذت می برد.

علی القاعده نمی توان انتظار داشت که چنین افرادی، رفتار دینی از خود نشان دهند، لکن در مواردی می توان افرادی را یافت که ضمن داشتن تیپ بدنی در شخصیت، رفتارهای دینی نیز از خود نشان می دهند. چنین افرادی به عللی چون یادگیری های دوران کودکی، عادت هایی که کسب کرده اند یا علاقه مندی به جنبه هایی از دین که با تمایلات آنان تطابق دارد، مانند توجه به جنبه های لذت طلبانه اطعام، یا احکام و آداب مربوط به مسائل جنسی یا جنبه هایی از دین که شدت عمل نسبت به محاربین و کفار را توصیه می کند، ممکن است به طرف داشتن رفتار دینی سوق یابند. چنین افرادی به رغم داشتن شخصیت بدنی، رفتارهای دینی نیز از خود نشان می دهند. مهم ترین ویژگی های رفتار دینی آنان به شرح زیر است:

رفتارهای دینی تیپ بدنی اغلب شکل عادت به خود گرفته، محصول یادگیری های دوره کودکی است. افراد این تیپ در انجام

شخصیت و شاکله اش، تعبیر و تفسیر خاصی از آن کرده، تابع تفسیر خود از دین می شود، نه تابع دین حقیقی؟ به عبارت دیگر سؤالی که می خواهیم به پاسخ آن پردازیم این است که آیا این انسان متدین است که تابع دین است، یا نه این دین است که بر اساس شخصیت انسان، تابع او می شود؟ در پاسخ به این سؤال باید به طور اجمال بگویم که اگرچه بسیاری از ما انسان ها، دین را منطبق با شخصیت خویش تفسیر کرده، تغییر داده، منطبق با آن رفتار می کنیم، لکن باید توجه داشته باشیم که هستند انسان هایی که تلاش کرده اند شخصیت خویش را منطبق با دین خالص الهی تغییر داده، خود را با دین منطبق سازند نه دین را با خود. اینان مصداقی از *مَنْ أَخْلَصَ وَجْهَهُ لِلَّهِ* اند. نقل است که شهید محمد باقر صدر در مورد امام خمینی (ره) فرموده اند: *ذُوبُوا فِي الْخُمَيْنِيِّ كَمَا هُوَ ذَابَ فِي الْإِسْلَامِ*. یعنی در خمینی ذوب شوید، همان گونه که او در اسلام ذوب شده بود. تطابق دادن شخصیت با دین، مقام رفیعی است که رسیدن به آن به سادگی امکان پذیر نیست. انسان ها اغلب دین را در خود ذوب می کنند، نه خود را در دین.

با توجه به انواع تیپ های شخصیتی که تاکنون از آنها صحبت کرده ایم، رفتار دینی هر یک از آنان را به طور اجمال مورد بررسی قرار می دهیم. در این جا تذکر این نکته لازم است که هر چند درباره رفتار هر تیپی به طور جداگانه بحث می کنیم، لکن هستند افرادی که بینابین دو تیپ قرار دارند، یعنی گاه رفتارهای یک تیپ و گاه رفتارهای تیپ دیگر را از خود نشان می دهند.

می‌کنند. چنین افرادی تمایل خود به پرخاشگری را به اشکال گوناگون نشان می‌دهند. بارزترین این نوع گرایش‌ها در انجام اعمال پرخاشگرانه است. منازعه و درگیری با دیگران، استفاده از وسیله‌ای مانند چوب، سنگ، زنجیر، پنجه بوکس و... برای صدمه زدن به دیگران یا نگه‌داری وسایلی چون چاقو، زنجیر و حتی اسلحه گرم، برای شرایط احتمالی، همگی نشانه‌هایی از تمایل فرد به پرخاشگری است. افرادی که چنین موقعیت‌هایی را نمی‌یابند، از طریق تماشای فیلم‌های پرخاشگرانه و شنیدن و خواندن وقایعی که موضوع پرخاشگری دارند، تمایلات خود را ارضا می‌کنند.

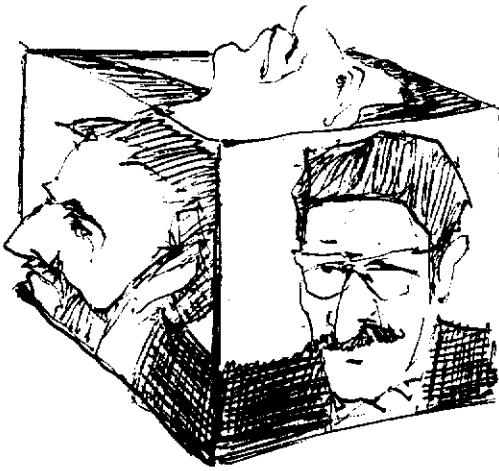
در صورتی که یک تیپ بدنی متمایل به پرخاشگری این تمایل را با رفتار دینی بیامیزد، از دین آن بخش‌هایی را که با پرخاشگری او بیش‌تر سازگارند، انتخاب و بخش‌های دیگر را رها می‌کند. این‌گونه افراد ضمن داشتن ویژگی‌هایی که پیش از این توصیف کردیم، بر جنبه‌های پرخاشگرانه دین تأکید زیادی می‌کنند و آن را عملاً نشان می‌دهند.

دوستی‌ها در تیپ بدنی با ملاحظات و آداب اجتماعی همراه نیست. دوستانی که یک فرد با تیپ بدنی پیدا می‌کند، همسان او در ارضای نیازهای خودند. اینان معمولاً قانون‌مندی‌های خاصی را با هدف ارضای تمایلات خود، بر روابطشان حاکم می‌کنند. به عبارتی، اینان خرده گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند که اغلب اوقات فرهنگ و ضوابطشان از فرهنگ عمومی جامعه فاصله می‌گیرد. چند نفری که یک گروه را می‌سازند، به ظاهر پیوند بسیار محکمی بین خود دارند، در حالی که این پیوند بین آن‌ها و

اعمال دینی حواس جمع و حضور قلب ندارند، مثلاً وقتی نماز اقامه می‌کنند، کم‌تر به مفهوم عملی که انجام می‌دهند توجه دارند و بیش‌تر اوقات نماز، ذهنشان مشغول تخیلات گوناگون است. در شرایطی که تعارض بین انجام اعمال دینی و لذت‌طلبی‌های بدنی وجود داشته باشد، بدون دغدغه به ارضای تمایلات بدنی می‌پردازند، مثلاً به راحتی نماز صبح آنان قضا می‌شود، زیرا راحت‌طلبی حاصل از خواب را نمی‌توانند فدای انجام فریضه صبح کنند. یکی از نشانه‌های غلبه تمایلات بدنی بر شخصیت یک فرد همین است که او تا چه حد ارضای نیازهای بدنی را بر سایر وظایف دینی و اجتماعی ترجیح می‌دهد. کسی که اغلب اوقات به ارضای تمایلات و نیازهای بدنی می‌پردازد، دارای یک تیپ بدنی در شخصیت است.

از ویژگی‌های دیگر تیپ بدنی در رفتار دینی، داشتن اطلاعات ناقص، پراکنده و غیرمستند و مسجل در مورد دین است. چنین فردی هیچ تمایلی در جهت کسب اطلاعات دینی از خود نشان نمی‌دهد. سؤالات زیادی در مورد دین و باورهای دینی ندارد و از سوی دیگر به آن‌چه در مورد دین می‌داند نیز یقین نداشته، چندان مدافع آن نیست. برای او چندان فرقی نمی‌کند که خدا یکی باشد یا هر تعداد دیگر. اگر یکی در مقابل او توحید را اثبات کند، همان واکنش را از او خواهد دید که تثلیث را. خلاصه آن که یک تیپ بدنی درگیری ذهنی و عقلی درباره دین و بسیاری چیزهای دیگر پیدا نمی‌کند. اثبات و نفی هر عقیده دینی برای او علی‌السویه است.

در میان افراد تیپ بدنی، عده‌ای تمایل بیش‌تری به پرخاشگری و خشونت پیدا



جامعه بزرگ‌تر از جمله بین آنان و اعضای خانواده آنها مشاهده نمی‌شود. آنها در درون خود گروه بسته‌ای‌اند که با بیرون از خود ارتباطی ندارند. دوستی‌های آنان هر چند ممکن است به یک پیوند محکم تبدیل شود، لکن بر اصولی فراتر از تمایلات و نیازهای بدنی استوار نیست. در چنین شرایطی دوست از دوست خود به هر قیمتی که هست دفاع می‌کند، حتی اگر او اولین جانی‌تکار جهان باشد. دوست برای چنین فردی بخشی از او شده است، مانند دستی که دست دیگر را یاری می‌رساند. برای یک دست، کاری که دست دیگر انجام می‌دهد زیر سؤال نمی‌رود. بلکه هر دست دست دیگر را بدون پرسش و سؤال یاری می‌کند. دوستان در چنین گروه‌هایی وقتی می‌بینند که یکی از آنها با کسی درگیر است، بدون سؤال از حق و باطل بودن درگیری به حمایت از دوست خود می‌پردازند و با دشمن او درگیر می‌شوند. برای آنان نادیده گرفتن مصالح دوست، در حکم خیانت است. اگر دوستی به هر علتی، هر چند حق، منافع دوستش را زیر پا بگذارد، به منزله اعلام جنگ و دشمنی با اوست. گروه‌های قانون‌شکنی از این دست، تخلف یک عضو را از منافع دیگران، گاه با مرگ پاسخ می‌دهند. چنین توصیفی که در مورد دوستی‌ها در بین افراد تیپ بدنی ارائه شد، اگر با رفتارهای دینی همراه شود، به ظاهر با موضوع و ظاهر دینی، تمامی این قانونمندی‌ها بر روابط بین اعضا حاکم خواهد شد.

تیپ اجتماعی و رفتار دینی: تیپ اجتماعی، سطحی‌رشد یافته‌تر از تیپ بدنی در

شخصیت است. ویژگی بارز این تیپ این است که به ملاحظات اجتماعی و داوری دیگران در مورد خودش اهمیت می‌دهد. او به آبروداری بسیار می‌اندیشد و سعی می‌کند کاری کند که دیگران علی‌ای حال او را خوب توصیف کنند. قانونمندی حاکم بر اعمال او، به ویژه در حضور دیگران، همان قانونمندی حاکم بر جامعه است. عرف و قواعد اجتماع برای او از هر چیز دیگر مهم‌تر است.

یک تیپ اجتماعی، زمانی دینی رفتار می‌کند که محیط اجتماعی اطراف او دینی باشد. در اصل او آینه‌ای از محیط اجتماعی خود است. در صورتی که محیط او غیر دینی شود، به راحتی رفتارهای دینی ترک می‌گردد. کسانی که وقتی در مجموعه‌های دینی قرار می‌گیرند، رفتارهای دینی از خود نشان می‌دهند و وقتی در جمع‌های غیردینی قرار می‌گیرند، رفتار غیردینی از خود بروز می‌دهند، متعلق به چنین تیپی از شخصیت‌اند. بسیاری اوقات امر به خود این افراد نیز مشتبه می‌شود که

را به همین منظور تهیه کنند.

تیپ اجتماعی وقتی در تنهایی قرار می‌گیرد، ویژگی‌های تیپ بدنی را از خود نشان می‌دهد. به عنوان مثال، او وقتی با جمع است، ممکن است نماز صبحش را اول وقت به جا آورد ولی وقتی تنهاست ممکن است حتی برای نماز بیدار هم نشود. در شرایط تنهایی، وقتی انجام اعمال دینی با تمایلات بدنی اش مغایرت نداشته باشد، اعمال دینی مانند نماز را به حکم عادت به جا می‌آورد، لکن بی‌روح و بدون حضور قلب. چنین فردی عمل دینی اش در جمع کامل‌تر، درست‌تر و بهتر از تنهایی انجام می‌گیرد.

یک تیپ اجتماعی، در هر گروهی که قرار می‌گیرد هم‌نوایی بالایی با آن‌ها نشان می‌دهد، حتی اگر برخی از این گروه‌ها با یکدیگر تعارض داشته باشند. تعارض گروه‌ها در چنین فردی تجلی پیدا نمی‌کند، زیرا در هر گروهی همان می‌شود که گروه است. چنین افرادی به لحاظ دینی در معرض نفاق‌اند.

تیپ فردی و رفتار دینی: تیپ فردی بیش‌تر یک شخصیت مستقل و منحصر به فرد دارد. او تمایل دارد به انحای گوناگون استقلال خود را نشان داده، راه‌های جدید و نو را طی کند و در ارزیابی از خودش به نظریات دیگران توجه چندانی نداشته، به نظر خود متکی باشد.

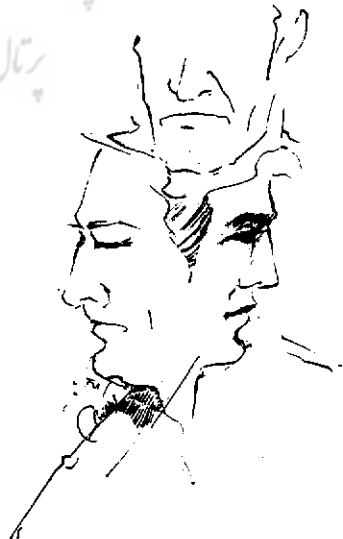
تیپ فردی، چنان‌چه گرایش دینی داشته باشد، این ویژگی‌ها را حتی المقدور در رفتارش متجلی می‌سازد. در انجام اعمال عبادی به نحوی عمل می‌کند که متفاوت بودنش از دیگران را نشان دهد. گاهی اوقات وقتی همه می‌خواهند نماز جماعت به جا آورند، او

متدین‌اند، لکن برای تعیین تدین خویش لازم است رفتارها و حالات خود را در محیط‌های اجتماعی متفاوت مورد توجه قرار دهند. بسیاری از افرادی که خود را متدین می‌دانند، لکن در سفرهایی که مثلاً به اروپا می‌کنند، نماز را یکسره ترک کرده، نجس و پاک‌ی را رعایت نمی‌کنند و حتی از خوردن غذاهای نجس و حرام نیز ابایی ندارند. اینان وقتی به کشورشان باز می‌گردند و در بین گروه‌های مذهبی قرار می‌گیرند، مجدداً رفتار دینی در پیش می‌گیرند و چه بسا نمازهایی را که قضا کرده‌اند، به جا می‌آورند، و از این طریق به خود بقبول‌اند که قلباً متدین می‌باشند. امر به معروف و نهی از منکر را رفتار پسندیده‌ای نمی‌دانند و آن را با قاعده عیسی به دینش و موسی به دینش جایگزین کرده، همچون "عرفی" معتقدند که با نیک و بد چنان باید سر کنند که بعد از مردنشان مسلمان آنان را به زمزم بشوید و هندو بسوزاند.

اطلاعات دینی این افراد نسبت به تیپ بدنی، زیادتر و منسجم‌تر است. آن‌ها هر از گاهی مطالعات دینی انجام می‌دهند و سؤال‌هایی نیز در این زمینه مطرح می‌کنند. لکن ویژگی مهم در اطلاعات دینی آنان، جو حاکم بر محیط اجتماعی ایشان است. آنان معمولاً دانش دینی خود را با هدف حفظ جایگاه اجتماعی خود و ارتقای آن افزایش می‌دهند و معمولاً مطالبی را می‌آموزند که به نوعی در جامعه مصرف داشته باشد. برای یادگیری چیزهایی که شخصاً به آن‌ها علاقه‌مندند، تمایل زیادی نشان نمی‌دهند. اهل تهیه کتاب‌اند، لکن کتاب در نهایت برای آن‌ها حکم یک دکور را دارد. همان‌گونه که کسی ممکن است مبل یا فرش را برای آبروداری بخرد، چنین افرادی نیز ممکن است کتاب‌هایی

نمازش را فرادی می خواند و وقتی عده ای تأکید بر فرادی دارند او می خواهد به جماعت نماز بگردد. در انتخاب مرجع تقلید و عالم دینی اغلب به دنبال افراد خاص و متفاوت از آنچه اکثر مردم با آن موافقاند، می گردد. در نقل قول از آنان نیز به مطالب شاذ و نادر بیش تر عنایت دارد تا موارد عمومی و مقبول عام.

اطلاعات دینی تیپ فردی نسبتاً خوب است، لکن ملاک انتخاب مطالب دینی، بیش تر نادر بودن، متفاوت بودن و نوبودن است. او اغلب به دنبال چیزهایی می گردد که با باور عمومی متفاوت باشد. اگر مردم در مورد واقعه کربلا اعتقادات و باورهایی دارند، او در این واقعه به دنبال مواردی می گردد که نشان دهد او به شکل متفاوتی به این موضوع می اندیشد. او در مورد احکام دینی نیز در جست و جوی مطالب جدید و نو است. اگر گفته شود مراجع در مورد فلان مطلب به اجماع فلان فتوا را دارند، او خیلی مایل است مرجعی را پیدا کند که نظری متفاوت داشته باشد. چنین فردی اگر از هوشمندی بالایی برخوردار بوده،



دارای اطلاعات خوبی نیز در مبانی دینی باشد، اغلب دست به نوآوری های دینی می زند، هر چند که باید دید آیا در این نوآوری ها ملاک صحت و انطباق آن با واقع امر است یا صرف نو بودن و متفاوت بودن مدنظر است. برای شخصیت تیپ فردی، نوبودن و متفاوت بودن، بر صحت و واقعیت مطلب غلبه دارد. چنین فردی در مقابل دلایل دیگران، به انحاء گوناگون دلیل تراشی می کند تا عقیده خود را به کرسی بنشاند.

رابطه شخصیت فردی با دیگران از جمله در عقاید دینی، یک رابطه پذیرنده اجتماعی نیست، بلکه بیشتر رابطه ای تحکم آمیز یا تحقیر کننده است. اگر کسی به محاجه با چنین شخصیتی بپردازد، معمولاً دو نوع واکنش را از او خواهد دید. اگر شخصیت تیپ فردی احساس کند بر محاجه کننده غلبه دارد، معمولاً رفتاری مبتنی بر تحقیر در پیش می گیرد، مثلاً او را به اشکال گوناگون بی سواد، نامطلع و سخیف نشان می دهد، و اگر ببیند در مقابل احتجاجات فرد کم می آورد، موضعی مبنی بر بی تفاوتی و غیر مهم بودن مطلب به خود می گیرد. او طوری رفتار می کند که انگار مسئله مهم نیست و او هم اهمیتی به این مطالب نمی دهد. برای چنین فردی علم و دانستن نیست که اهمیت دارد، بلکه علم و دانستن ابزاری است برای نشان دادن تفاوت او از دیگران. او در این مسیر حتی در صدد مرید و مراد بازی نیست. چنین فردی حتی گاهی کسانی را که می خواهند از او تعریف و تمجید داشته باشند نیز تحقیر و طرد می کند و حتی به آنان نیز نشان می دهد که نمی فهمند. مرید داشتن و وارد چنین بازی هایی شدن، بیش تر از شخصیت های اجتماعی که از

عقلانی، بیش‌تر بر اساس تفاوت‌های عقلی عمل می‌کند. او سعی می‌کند در مورد وقایع و رفتارها به خوبی بیندیشد و با توجه به استنتاج عقلانی در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری کند. یک شخصیت عقلانی، در صورتی که دین‌دار باشد، قضاوت‌های عقل را در عمل دینی خود ملاک قرار می‌دهد (ذکر این نکته لازم است که در این جا عقل معادل همان هوش یا عقل جزوی است).

یک تیپ عقلانی، علاقه‌مند به دانستن است. در مسائل اعتقادی تلاش می‌کند هر چه بیش‌تر و بهتر بداند. او تابع مطالب درست است و در تعیین درست و غلط بر اساس عقل عمل می‌کند نه بر اساس امیال خود. تیپ‌های سه‌گانه‌ای که پیش از این توضیح دادیم، درست و غلط را با ملاک امیال خود می‌سنجیدند و در نهایت چیزی برایشان درست بود که با امیال آنان تطابق داشت و چیزی غلط بود که چنین تطابقی نداشت. آنان وقتی هم در تنگنا قرار می‌گرفتند علناً می‌گفتند: "من دلم می‌خواهد چنین بگویم یا چنان رفتار کنم و به هیچ کس هم مربوط نیست." در حالی که یک شخصیت عقلانی وقتی به غلط بودن باور و اندیشه‌ای می‌رسد، با تواضع می‌پذیرد که اشتباه می‌کرده و اینک باور درست را می‌پذیرد.

چنین شخصیتی پیوسته تلاش می‌کند در مورد فلسفه احکام و ریشه باورها به استدلال بپردازد. یک متکلم محض، یک شخصیت عقلانی دینی است. کسی که برای باورهای دینی دنبال دلیل می‌گردد و هر چیزی را براساس دلایلی توضیح داده، تفسیر می‌نماید. شخصیت عقلانی در اعمال و عبادات نیز از قواعد عقلانی بسیار بهره می‌جوید. در نظر او

توانایی‌هایی نیز برخوردارند، بر می‌آید. شخصیت‌های فردی بیش‌تر تک‌رو و منفردند. دوستی آنان با دیگران یک دوستی مبتنی بر تماس و قطع تماس است. هر گاه که خود بخواهند با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و هر گاه خود بخواهند با آنان قطع ارتباط می‌کنند. آن‌ها چندان به علایق دیگران وابسته و پایبند نیستند.

اخلاق در نزد آنان نسبیتی خاص دارد، یعنی به چیزهایی پای بندند و به چیزهایی نه. به بعضی از اصول اخلاقی، به انتخاب خودشان، عمل می‌کنند و برخی دیگر را زیر پا می‌گذارند. به عنوان مثال ممکن است غیبت نکنند، دروغ نگویند ولی برای حرمت دیگران اهمیتی قائل نباشند. در اعمال عبادی نیز ممکن است چنین عمل کنند، مثلاً نماز بخوانند، روزه بگیرند ولی حج را عملی بیهوده بشمارند و اظهار کنند که حج رفتن پول در کیسه عرب‌ها ریختن است. دیگران نسبت به چنین افرادی معمولاً حسنی دوگانه دارند، از یک سو آنان را افرادی دوست‌داشتی و مستقل می‌دانند و از سوی دیگر آنان را رک و فاقد رعایت حال دیگران می‌بایند. وقتی در کنار چنین فردی قرار دارند، ضمن این که از رفتارهای مستقل، متفاوت و نومی آن‌ها لذت می‌برند، لکن پیوسته نگرانند که مبدا چنین افرادی حرکت اجتماعی آنان را در نظر بگیرند.

چنین افرادی به لحاظ آسیب‌شناسی دینی، ممکن است به دلیل تکبر و خودخواهی تسلیم حق نشده، حق را با تفسیر خود بپذیرند، نه آن گونه‌ای که هست.

تیپ عقلانی و رفتار دینی: یک شخصیت

می‌اندیشد. در نماز پیوسته توجه دارد که رو به خدای بزرگ ایستاده و در مقابل او می‌باید رعایت ادب کند و به دستورهایی که داده است، توجه نماید. او می‌داند که باید به بیان جمله به جمله و کلمه به کلمه اذکار نماز، توجه داشته باشد و بداند که چه می‌گوید. او باید توجه داشته باشد تا در رکعات نماز شک نکرده، با حواس جمع نماز را به جای آورد. او در سایر عبادات نیز پیوسته می‌خواهد توجه عقلانی را حفظ کند و بداند که برای قرب به پروردگار هر عملی را به انجام می‌رساند.



آنچه در مورد شخصیت عقلانی در انجام رفتار عبادی گفتیم، تماماً مورد توجه دین مبین نیز می‌باشد و در صورتی که عملی براساس چنین ضوابطی به انجام برسد، ان شاء الله مورد قبول خداوند بوده، مأجور خواهد بود. لکن در این جا تذکر دو نکته حائز اهمیت است: اول آن که انجام اعمال عبادی به شکلی که در بالا آمد، تمام دین نیست. هنوز گام یا حتی گام‌هایی دیگری نیز وجود دارد که دین را به حقیقت خود نزدیک‌تر کند. یک شخصیت عقلانی شاید لذت - اذت را به خوبی درک نکند. برای او عمل عبادی مانند کاری است که کسی انجام می‌دهد تا پس از اتمام کار مزدی دریافت کند. او ممکن است در تمامی لحظات انجام کار با حواس جمع و با احساس مسئولیت کاری را که بر عهده‌اش گذاشته‌اند، به انجام برساند، لکن این امکان نیز وجود دارد که از انجام نفس کار لذتی نبرد. او در حقیقت مشقتی را برخورد هموار می‌سازد، به امید رسیدن به پاداش آخر کار. چنین فردی یک عمر سختی عبادات را تحمل می‌کند، بدان امید که خداوند بزرگ نیز پاداش او را به شایستگی بپردازد. ولی هستند

ثواب بیشتر بهتر از ثواب کم‌تر است، لذا در انجام اعمال عبادی پیوسته درصدد کسب ثواب بیشتر است. نماز جماعت، از نماز فرادی ثواب بیشتری دارد، روزه بیشتر، با ثواب بیشتر همراه است و... خلاصه آن که یک شخصیت عقلانی پیوسته درصدد کسب ثواب زیاد و زیاده‌تر است. او به کمک قضاوت عقلانی پیوسته دورها را می‌بیند. آخرت و زندگی اخروی در نظر او از زندگی کوتاه دنیوی مهم‌تر است. انسان عاقل زندگی بی‌نهایت را فدای زندگی محدود دنیوی نمی‌کند. انسان عاقل در انجام هر عملی قبر و قیامت خود را در نظر می‌گیرد. او می‌داند در چشم برهم زدنی، زندگی دنیوی به پایان می‌رسد و او می‌ماند و نامه اعمالش. او باید به نامه اعمال خود بیندیشد.

شخصیت عقلانی، به هنگام عبادات و اذکار نیز بیشتر به معانی جملات و کلمات

بر قلب پیامبرگرامی اسلام نازل شده است. این قلب است که ایمان، عشق، خشیت، خشوع و... را درک می‌کند. وقتی قلب انسان حقیقت دین را درک می‌کند، تمامی لایه‌های شخصیت، حتی عقل را تابع خویش می‌سازد. اعمال عبادی از حالت عادت خارج شده، تابعی می‌شود از شوق قلبی و هر عملی در هر لحظه و آنی متصل می‌شود به سرچشمه نیروی انسانی، یعنی آن‌چه از قلب آدمی می‌تراود. کسالت از رفتار عبادی رخت بر می‌بندد. رنج و مشقت بی‌معنا

کسانی که عبادت و اعمال دینی را به شکل دیگری انجام می‌دهند که توضیح مختصر آن را در شخصیت قلبی بیان خواهیم کرد.

نکته دوم این که شخصیت‌های عقلانی وقتی در مورد سایرین می‌اندیشند، اغلب قیاس به نفس کرده، دیگران را نیز با مقیاس‌های عقلانی مورد سنجش قرار می‌دهند. در حالی که حداقل سه تیپ شخصیتی‌ای که قبلاً توضیح دادیم، عقلانی عمل نمی‌کنند، بلکه عقل در آنان اسیر دست امیال است. عقل آنان منتظر است ببیند که امیال از او چه می‌خواهند، تا مطابق آن عمل کند. برای مثال به عقیده یک شخصیت عقلانی، انسان به حکم عقل نباید دروغ بگوید. اگر عقل حکم کند که دروغ بد است، انسان دیگر دروغ نخواهد گفت. این قاعده در مورد یک تیپ عقلانی درست است، لکن در مورد سه تیپ بدنی، اجتماعی و فردی صادق نیست. عقل آنان نیز حکم می‌کند که دروغ بد است، لکن مگر حکم آن مطاع است. امیال این افراد است که تعیین می‌کند در کجا باید راست گفت و در کجا دروغ. به این ترتیب، شخصیت‌های عقلانی باید از قیاس به نفس پرهیز کرده، هر کس را با توجه به سطح تحول شخصیتش مورد توجه قرار داده، همان قدر از او انتظار داشته باشند و تلاش کنند وی را به سطوح بالاتر شخصیتی سوق دهند.

تیپ قلبی و رفتار دینی: قلب حقیقت
انسانیت و جایگاه حقیقی دین است. یک قلب سالم نه تنها دین را به خوبی درک می‌کند، که حقایق آن را به رأی العین می‌بیند. آیات الهی غذای قلب سالم است. حقیقت قرآن تنها می‌تواند توسط قلب انسان درک شود. قرآن نیز



می‌شود و هر عملی با اتصال به نیروی قلبی با عشق و شور عجین می‌شود. ابتهاج، سکینه، صلابت و وقار در رفتار و ظاهر فرد تجلی می‌کند.

شخصیت قلبی عمل و گفتارش تأثیر عمیقی بر دیگران می‌گذارد، زیرا او رفتاری ظاهری ندارد. عمل و گفتار او از قلبش سرچشمه می‌گیرد و قلب او نیز متصل به ملکوت الهی است. یعنی اعمال او ریشه در عمق حقایق عالم دارد.

عبادات این نوع شخصیت، بیش‌تر حالت مستی دارد تا هشیاری. او هنگامی که در مقابل خدای خود می‌ایستد، از خود بی‌خود می‌شود و به تدریج هیچ نمی‌بیند، جز ذات اقدس اله را. او نه به خود می‌اندیشد، نه به الفاظی که می‌گوید و نه ثوابی که به او خواهند داد و نه به هیچ چیز دیگر. او فقط خدا را می‌بیند و بس. او در دل و با چشم دل خدا را می‌بیند. تجلی خدا در دل، در اشک چشم نمایان می‌شود. اشک و ابتهاج به هم می‌آمیزد، خشیت و خشوع و تضرع با یکدیگر تجلی پیدا می‌کنند و نماز را از رفتارهایی ظاهری به یک اوج روحانی بدل می‌کنند. عبادت شخصیت قلبی از هر ثوابی بالاتر است. انسان عاشق اگر خدا به او اجازه دهد، تا ابد در رکوع و سجود باقی می‌ماند. خداوند به لطف و کرم خویش لحظاتی در را به روی قلب مؤمن می‌گشاید و به حکمت خویش آن را فرو می‌بندد. اگر این در پیوسته باز بماند، روح مؤمن در بدنش قرار نخواهد داشت و میلی به بازگشت به زندگی دنیایی از خود نشان نخواهد داد.

شخصیت قلبی، شخصیت مؤمن حقیقی است. رفتار ایمانی صادقانه و مطلوب از او سر

می‌زند. سایر مدارج دینی، به خصوص آنچه از شخصیت‌های بدنی، اجتماعی و فردی سر می‌زند، با شائبه‌های گوناگون همراه است. تزکیه، یعنی پاک شدن از تمایلات و قلب را آزاد کردن از آن‌ها. قلب آزاد از تمایلات و قلبی که حتی از احتجاجات عقلی آزاد است، معنی دین و ایمان را درک می‌کند. آنانی که اوراق می‌شویند، از آن جا که می‌دانند درس عشق در دفتر نیست، آنان که از قیل و قال مدرسه خسته شده‌اند، آنان که عقل دوراندیش را آزموده‌اند و خویش را دیوانه می‌سازند، آنان که می‌گویند عاقلان دگرند و ما دگریم و بسیاری کسان دیگر، مقام قلبی ایمان و اعتقاد را یافته‌اند و مقامی دیگر نمی‌طلبند.

ما انسان‌ها باید دین و ایمان را در اولیایی که همه چیز خود را در معامله با خدا از دست داده‌اند، و جز او چیزی نمی‌طلبند جست و جو کنیم. اگر هر انسان نمازگزار و هر انسان روزه‌گیر و حج‌گزار را متدین به شمار آوریم، به خطا رفته‌ایم. دین با قلب مؤمن، دین می‌شود، نه با رکوع و سجود و پیشانی داغدار. ائمه اطهار - علیهم السلام - پرچمداران کاروان ایمان‌اند. یاران امام زمان (عج) مؤمنین حقیقی‌اند که شمارشان قلیل است، در حالی که ظاهراً متدینین بسیارند. آرزو می‌کنیم که خداوند قلب‌های ما را با دین آشنا سازد و به ما توفیق تزکیه از هر تمایلی را عطا فرماید.